



اشاره

از پدر گر قالب تن یافتیم
از معلم جان روشن یافتیم (شهریار)

روش‌های صمیمانه در تدریس هنر

محمدعلی اشرفی، دبیر هنر

آموزش‌ها و روش‌های مبدعانهٔ معلمان هنر گنجینه‌ای ارزشمند و برآمده از لحظات باشکوه تدریس آن‌ها به حساب می‌آید. افسوس که معلمان هنر در قلم‌بند کردن و نوشتن این سرمایه‌های خود اهتمام لازم را به عمل نمی‌آورند. با هدف حفظ یافته‌ها و تجربه‌های آموزشی بر آن شدیم که در قالب پیام‌های خواندنی و کوتاه به ثبت و ترویج برخی از آن‌ها بپردازیم. این تجربه‌ها و نکات آموزشی زیادند. آنچه می‌آید، برگرفته‌ها از گفت‌وگوهایی است که با دبیران هنر انجام شده است. یادآوری این نکته ضروری است که هستهٔ اولیهٔ این پیام‌ها در تحریریهٔ مجله پرورش داده شده است و با افزودن و کاست‌های لازم برای درج در مجله، به شکلی که خواهد آمد، آماده گردیده است. آخر اینکه از شما معلمان و دبیران عزیز هنر خواهشمندیم مواردی از این‌گونه را بنویسید و به دفتر مجله ارسال کنید.



□ تأثیرگذارترین معلم هنر من

در گفت‌وگویی که با یکی از اهل هنر داشتیم از او پرسیدم: «تأثیرگذارترین استادی که شما را در رسیدن به این مرحله یاری کرده، چه کسی بوده و چه روشی داشته است؟» گفت: «استادی بود که روش بسیار آذانه‌ای را در کلاس اعمال می‌کرد. جالب اینکه این روش او را کسی جدی نمی‌گرفت. گویی او تنها یک کار را در کلاس جدی می‌گرفت و آن همان جدی نگرفتن کلاس بود. کلاس را آرام‌آرام پیش می‌برد و هر کاری که ما می‌کردیم می‌گفت: «چه کار خوبی است» تو همین راه را ادامه بده. واقعاً همین روش آن استاد باعث بالندگی و رشد دانشجویان می‌شد و خود من هم با این آزادی عمل به شرایط فعلی رسیدم.» کسی که این خاطره را برایم نقل کرد **مسعود نجابتی** است که در شیوه «خط در گرافیک ایران» جایگاه ویژه‌ای دارد؛ استادی هم که او از وی یاد می‌کرد، استاد **قربانعلی اجلی**، خوشنویس و مدرس خط در گرافیک دانشگاه است. نتیجه اینکه ارمغان آزادی و رهایی معلم، رشد خلاقیت هنری در بچه‌هاست.

□ معلم محبوب هنر

یکی از معیارهای مهم تأثیرگذار بودن معلم هنر در کلاس، نحوه ارتباط او با دانش‌آموز است. به عبارت دیگر دل‌سپردن دانش‌آموز به شخصیت معلم هنر به معنای دل‌بستگی و عشق او به درس هنر نیز هست. این اتفاق پیام دیگری نیز دارد؛ دانش‌آموز از معلم محبوب خویش بهتر می‌آموزد تا از معلم غیرمحبوب. ارتباط صمیمانه معلم هنر با دانش‌آموز و ندیدن این درس از زاویه نمره و ارزشیابی سخت‌گیرانه، مقدمه‌ای است برای شیرین و دل‌چسب کردن درس هنر. به‌ویژه کار عملی و حضور در کارگاه هنر این تعامل دل‌نشین را قوت می‌بخشد. یکی از خانم معلم‌های هنر می‌گفت «من کاری می‌کنم که این معلم و شاگردی کنار برود و به مادر و فرزند تبدیل شود، و احساس می‌کنم این‌طور بهتر است.»

□ دل‌نوشته معلم هنر وصفی از درس هنر!

در کلاس هنرم رایحه مهر و صفاست لذت‌انگیزترین خاطره‌هایم جاری است دانش‌آموز در آن شور شکفتن دارد ... شوق دانستن هر نکته تازه پیداست ... و «قلم‌موی» من از شوق به هر سو لغزان از «گل» احساس لطیفی به هوا می‌آید دست‌ها با «قلم‌نی»، چه حکایت دارند؟ و «نوایی» که به اندیشه‌ام آرام و جلا می‌بخشد این همه حال به زیبایی و عشق و هنر است و کلاس هنر این خلوت پرواز خیال بهترین لحظه دلدادگی و حس من است به شکوفایی گل‌های چمن خرسندم تا در این چشمه چنین آب حیاتی پیداست من به بالندگی «درس هنر» خشنودم تا به شیرینی و شیدایی آن ذوق کنم ...

او تنها یک
کار را در کلاس
جدی می‌گرفت
و آن همان جدی
نگرفتن کلاس
بود

دل‌سپردن
دانش‌آموز به
شخصیت معلم
هنر به معنای
دل‌بستگی و
عشق او به درس
هنر نیز هست



یا سالن مدرسه به اجرا می‌پردازند و گروه‌های دیگر در کلاس و کارگاه به کار مشغول می‌شوند. با این کار می‌خواهم به علاقه‌درونی بچه‌ها در زنگ هنر جواب دهم. بچه‌ها می‌دانند که به چه هنری علاقه دارند و به راحتی به حوزه مورد توجه خود وارد می‌شوند. آزادشان می‌گذارم تا خودشان جلو بروند و من فقط نقش هدایتی خود را اعمال می‌کنم. هنر را نمی‌توان به دانش‌آموزان تحمیل یا تلقین کرد!

□ طنزهای کلاس هنر!

«در یکی از کلاس‌ها دانش‌آموزی خیلی بی‌انگیزه بود. در کلاس پایش را دراز می‌کرد و معمولاً کتاب و دفتر و خودکار و مدادی هم به همراه نمی‌آورد. به او گفتم: چه کار لذت‌بخشی برای درس هنر می‌توانی انجام دهی؟ او با خونسردی گفت: هیچ کاری! بعد از کمی صحبت به او گفتم: برایم سنگ‌ریزه‌های زیبای مسیر خانه تا مدرسه را جمع کن و به کلاس بیاور. قبول کرد و این کار را انجام داد. در نوبت بعد از او خواستم که سنگ‌ریزه‌ها را رنگ‌آمیزی کند. وقتی علت این کار را پرسید به او گفتم: حداقل بهانه‌ای است که نمره‌ای به تو بدهم!»

□ موسیقی جان‌بخش

در دفتر اشعار من ای اهل دل و هوش نقاشی و موسیقی و شعرند هم آغوش دبیر هنر می‌گفت: با خواهش و تمنا، بالاخره در مدرسه موفق شدم کلاسی را به شکل کارگاه درآورم. در کارگاه هنگام کار کردن بچه‌ها موسیقی می‌گذارم و بازخورد خوبی گرفته‌ام. کلاس هنر من به خاطر تمرکز بچه‌ها به کار ساکت‌ترین

□ دبیر هنر زمینه‌ساز رشد و علاقه‌مندی بچه‌هاست!

در یکی از جشنواره‌های دانش‌آموزی تدریس داشتم. دانش‌آموز مستعدی بود که پدر و مادرش دندان‌پزشک بودند و در مدرسه تیزهوشان درس می‌خواند. حال و هوای مدرسه سوق دادن بچه‌ها به طرف پزشکی شدن بود و حتی این کار را با شدت انجام می‌دادند. از عشق و علاقه این دانش‌آموز برای کار کردن خلاقانه با گل و گچ کاملاً خبر داشتم و به همین دلیل، بارها با خانواده وی صحبت کردم که فرزند شما در این هنر بسیار مستعد و علاقه‌مند است و البته طبیعی است که نپذیرفتند. روزی که کار با گچ را در جشنواره به اتفاق دانش‌آموز انجام دادیم، وی گفت امروز بهترین روز زندگی‌ام بود و لذتی که از درس عملی هنر بردم، بی‌نظیر بود. او این احساس خود را با شور و حال در حضور خانواده‌اش بیان کرد و طوری شد که پدر و مادرش همان‌جا موافقت کردند هر رشته‌ای را دوست دارد انتخاب و برای آن تلاش کند. بنابراین، دبیران هنر می‌توانند با کار عملی و زمینه‌سازی لازم این‌گونه مؤثر باشند^۳.

□ استعدادیابی کلید تدریس حرفه‌ای

من در کلاس توجه خود را قبل از آنکه فقط روی درس متمرکز کنم، بر شناخت استعداد دانش‌آموزان متمرکز می‌کنم. با شناسایی استعداد بچه‌ها در رشته‌های نمایش، عکاسی، نقاشی، سفال و خوشنویسی در همان جلسات اول گروه‌ها را تشکیل می‌دهم. علاقه‌مندان عکاسی به حیاط می‌روند، علاقه‌مندان نمایش در نمازخانه

همیشه در کلاس به بچه‌ها می‌گوییم نمی‌خواهم شما را بازیگر بار بیاورم. هدف من فقط آشناسدن شما با این هنر و بعد، علاقه‌مند شدنن به آن است



□ نمایش در کلاس واقعاً جواب می‌دهد!

«نمایشنامه‌های دانش‌آموزپسند را برای اجرا در کلاس دریابیم».

همیشه در کلاس به بچه‌ها می‌گویم نمی‌خواهم شما را بازیگر بار بیاورم. هدف من فقط آشناندن شما با این هنر و بعد، علاقه‌مندشدنتان به آن است. دانش‌آموزانی داشتم که منزوی و ساکت بودند و شاید اگر شما ظاهر آن‌ها را می‌دیدید، فکر می‌کردید توسری خور هم باشند. اما با دادن نقش به آن‌ها و اجرای نمایش می‌دیدم که خود را به‌گونه‌ای دیگر ظاهر می‌کردند. چقدر شخصیت صمیمی و دقیق و ریزبین از خود ارائه می‌کردند. در نمایش، دانش‌آموز ناچار به دیده شدن است. گاهی که احساس می‌کنم دانش‌آموزی در تنهایی ممکن است در نقش خود خوب ظاهر نشود، او را با چند دانش‌آموز همراه می‌کنم تا نقش‌آفرینی و دیالوگ خود را به‌صورت جمعی ارائه دهد. نمایش برای بچه‌ها اوج شکوفایی و بالندگی است. وقتی دانش‌آموز همه چشم‌ها را روبه‌روی خودش می‌بیند، اعتمادبه‌نفس و خودباوری‌اش تقویت می‌شود. نمایش جریان یکنواخت کلاس را از بین می‌برد و فضا را متحول می‌کند؛ طوری که دانش‌آموز در آن بهتر آرام و قرار می‌یابد و ذهنش متمرکز و فعال می‌شود.^۱

□ معلم دست‌به‌قلم!

در سال‌هایی که در حوزه هنر معلمی می‌کردم، نکته‌ای که برای بچه‌ها خیلی مهم بود این بود که

کلاس است که برایم تجربه موفق بوده است. در انتهای زنگ، کارهای برتر دانش‌آموزان را در کلاس معرفی می‌کنم و با توجه به اینکه دیوار کارگاه برای نصب تابلوها از قبل آماده شده است، نمایشگاه کوچکی به زودی شکل می‌گیرد. این کار اعتمادبه‌نفس بچه‌ها را بالا می‌برد و آن‌ها را برای برپایی نمایشگاه‌های جدی‌تر آماده می‌کند. موسیقی، زمینه‌ای آرام و تمرکزآفرین برای بچه‌ها فراهم می‌کند و تاکنون به تجلی کار هنری آن‌ها کمک شایانی کرده است.^۲

□ مخالفت پدران و مادران با درس هنر

پاره‌ای از اولیای دانش‌آموزان درس هنر را تشریفاتی می‌دانند. از نظر آن‌ها این درس فقط فرصتی برای بالا بردن معدل است. دبیر هنر می‌گوید: «برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان چندین جلسه وقت می‌گذارم و هنگامی که دانش‌آموز با من کنار می‌آید، با جبهه‌گیری اولیای او روبه‌رو می‌شوم. در مدرسه نیز دیده می‌شود که مدیران حق را به اولیا می‌دهند».^۳

به نظر شما اگر پدر و مادرها به تأثیرات هنر در «یجاد آرامش روانی، ارتقای اعتمادبه‌نفس، رشد نشاط و سرزندگی، دور شدن از احساس بیهودگی و متعادل کردن حضور در فضای مجازی پی ببرند»، آیا باز در برابر هنر جبهه خواهند گرفت؟ بنابراین، یادآوری کارکرد و تأثیرات هنر توسط معلم هنر الزامی است.^۴



و عملی از بی‌اهمیت شدن این درس جلوگیری می‌کند.

□ قصه‌های هنری رمز تکاپوی کلاس

قصه‌گویی هنری است که به اندیشیدن ما پر پرواز می‌دهد! قصه، تلطیف زبان هنر است! یکی از جذاب‌ترین تکنیک‌های تدریس، آمیختن درس هنر با قصه‌های مرتبط هنری است. سرگذشت‌نامه‌های هنرمندان پر از قصه‌های شیرین و دلکش است؛ کافی است دبیران هنر هنگام برخوردن به قصه‌ها آن‌ها را یادداشت کنند و در کلاس از آن‌ها بهره بگیرند. این موارد در فرازوفروود زندگی و جنبش هنرمندان پرشمار است. افسوس که نمی‌توان مصداق‌ها را بیان کرد. گاه یک بیت شعر اثرگذار کار یک سخنرانی را انجام می‌دهد. قصه نیز قدرت خندانند، گریاندن، شاد کردن، به هیجان آوردن و دادن انرژی مثبت را با هم داراست. از زندگی هنری میکلا آنتز، داوینچی، رافائل، کمال‌الملک، استاد فرشچیان و صدها هنرمند بزرگ دیگر نکته‌های قصه‌وار زیادی را می‌توان روایت کرد. دانش‌آموزان با قصه ارتباط برقرار می‌کنند و ذهنشان تمرکز می‌یابد و هنر در ذهن آن‌ها واقعی و ملموس می‌شود. قصه‌گویی به‌عنوان چاشنی و ابزار تدریس به بچه‌ها در تصمیم‌گیری برای آینده مدد می‌رساند؛ زیرا قصه آینه‌ای از تعاملات اجتماعی و هنری پیش روی آنان قرار می‌دهد و البته برای هر حادثه و رخدادی قصه متناظر آن وجود دارد. بیان قصه‌های هنری، مربوط به هنرمندان، به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که «ره چنان رو که ره‌روان رفتند»!

معلم اگر چیزهایی می‌گوید یا از بچه‌ها می‌خواهد انجام دهند، خودش هم آن را انجام دهد. تصورم این است که بچه‌هایی که با معلمانی سروکار داشته‌اند که معلمان خوبی بوده‌اند ولی توانایی انجام دادن کاری را که می‌گفته‌اند، نداشته‌اند نمی‌توانسته‌اند ارتباط لازم را برقرار کنند. اینکه بچه‌ها مطمئن باشند که ما معلمان چیزی را که می‌گوییم خودمان به‌خوبی انجام می‌دهیم و توانایی انجام دادن آن را داریم، خیلی تأثیرگذار است. برخی مواقع که در کلاس دست‌به‌قلم می‌شوم، می‌بینم تأثیر بیشتری از کلام می‌گذارد؛ یعنی بچه‌ها جمع می‌شوند و حتی برخی مواقع به زبان می‌آورند که این زیباست. این روش، رابطه شاگرد و معلم را زیباتر می‌کند و بچه‌ها این معلم را باور خواهند داشت. فکر کنم دیدن کار معلم در کلاس اگر واقعاً این توانایی را داشته باشد، خیلی تأثیرگذار است. بچه‌ها دوست دارند ببینند معلم خودشان دست‌به‌قلم می‌شود و کار می‌کند. در این صورت، یادگیری برای آن‌ها راحت‌تر و دل‌پذیرتر می‌شود^۱.

□ ارزشیابی درس هنر

سلیقه‌ای بودن ارزشیابی هنری از تلاش‌های دانش‌آموزان، گویی از اهمیت این درس می‌کاهد، اما وقتی در زمان یا روز امتحان، دانش‌آموزان مراسم ژوژمان دارند و آثار خود را بر سینه کارگاه، راهرو و دیوار کلاس نصب می‌کنند، موضوع متفاوت می‌شود. برخی از دبیران با اختصاص دادن «پوشه کار» به دانش‌آموزان نمونه‌کارهای هنری آن‌ها را در پایان ترم رصد می‌کنند و آن را مبنای ارزشیابی قرار می‌دهند. ارزشیابی عینی

بچه‌ها دوست دارند ببینند معلم خودشان دست‌به‌قلم می‌شود و کار می‌کند. در این صورت، یادگیری برای آن‌ها راحت‌تر و دل‌پذیرتر می‌شود



بی نوشت‌ها

۱. گفت‌وگوی نگارنده با محمد زحمتکش، دبیر هنر استان البرز (با افزود و کاست و بازنویسی).
۲. گفت‌وگوی نگارنده با خانم غفوریان، دبیر هنر ساری (با افزود و کاست و بازنویسی).
۳. گفت‌وگوی نگارنده با علی شریف کاظمی، دبیر هنر کرج (استان البرز).
۴. گفت‌وگوی نگارنده با آقای قیطاسی، دبیر هنر ایلامی.
۵. آقای یوسفی، دبیر هنر شهر ایلام، با افزود و کاست و اقتباس.
۶. برگرفته از نکته‌های سرکار خانم خرائی، دبیر هنر ایلامی، با افزود و کاست.
۷. سرکار خانم خرائی، دبیر هنر ایوان در استان ایلام.
۸. آقای حمزه منصور، دبیر هنر ملکشاهی ایلام.
۹. اقتباس با افزود و کاست از گفت‌وگو با محمدرضا کوچکی، دبیر هنر آبدانان ایلام، تابستان ۱۳۹۶.
۱۰. گفت‌وگوی نگارنده با مسعود نجابتی، مرداد ۱۳۹۶.